

عفاف و حجاب از دیدگاه حضرت فاطمه زهرا (س)

مقدمه:

بدون تردید پوشش اسلامی برای زنان، از ضروریات دین مقدس اسلام است، چنان که آیات متعددی از قرآن بر این مطلب دلالت دارند.¹ از طرفی مسأله حجاب یکی از جنجالی‌ترین مسائل دنیای دیروز و امروز است، به ویژه طرفداران اعلامیه حقوق بشر، که با عنوان کردن «تساوی حقوق زن و مرد»، پوشش را برای زن دست و پاگیر دانسته، و آن را برخلاف آزادی قلمداد و به عنوان حمایت از حقوق زن، مطرح می‌نمایند، این مسأله را بسیار حساس نموده است، در صورتی که پوشش اسلامی را باید در مجموع ابعادش مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، که با توجه به مجموع، به نفع زن و جامعه است، و نه تنها دست و پاگیر نیست و تضادی با آزادی ندارد، بلکه زنان در عین حفظ پوشش اسلامی، می‌توانند برترین فعالیت‌های اجتماعی را داشته باشند، و در چارچوب آزادی‌های صحیح و مقبول، از حق آزادی خود بهره‌مند گردند، زیرا حجاب در اسلام به معنای پرده نشینی نیست، بلکه به معنای پوششی معقول برای جلوگیری از فساد، و حفظ کرامت زن است، و ما امروز در جمهوری اسلامی ایران می‌بینیم که زنان در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها، از مجلس قانون‌گذاری گرفته تا آموزش و پرورش و بیمارستان‌ها و ادارات، می‌توانند در چهارچوب حفظ پوشش اسلامی، به کار و تلاش بپردازند، بی آن که حجاب اسلامی برای تلاش‌های آنان، مشکلی ایجاد کند، و حق آزادی صحیح آنها را تضییع نماید.

حجاب در اسلام از یک مسأله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد، و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی، اختصاص یابد، اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد، برخلاف سیستم غربی عصر حاضر، که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد، اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.³

علامه اقبال لاهوری در اشعار نغز خود در این رابطه، چنین می‌سراید:

باید این اقوام را تنقید غرب شرق را از خود برد تقلید غرب

نی زرقص دختران بی حجاب قوت مغرب نه از چنگ و رباب

نی زعریان ساق و نی از قطع موست نی زسحر ساحران لاله روست

از همین آتش چراغش روشن است قوت افرنگ از علم و فن است

مغز می‌باید نه ملبوس فرنگ علم و فن را ای جوان شوخ و شنگ

حضرت فاطمه (س) زن نمونه یا نمونه زن؟

الگو یکی از طرق سازندگی در مراحل مختلف زندگی است. بسیاری از بی هدفی ها زائیده بی الگویی هاست. زبان الگو، زبان عمل است در نتیجه تأثیری که الگو بر افراد می گذارد، بسیار عمیق تر و ماندنی تر از گفتار است. به دلیل اهمیت الگو ادیان الهی و مکاتب بشری سعی در ارائه الگو از نوع خود انسان داشته اند و از نقش الگو در آبادانی و ویرانی جوامع غافل نبوده اند.

دین مبین اسلام الگوها و شاخص های متعالی ارائه داده و انسانها را به پیروی از سیره عملی و نظری آنان دعوت نموده است. اگر در مکاتب ساخته بشر، الگوی عملی وجود ندارد و آنان ناگزیرند ایده آلیستی بیندیشند، خوشبختانه در مکتب اسلام راستین یعنی تشیع، الگوهای بسیاری وجود دارد .

دامنه تأثیر گذاری اسوه ها از نظر قرآن اعم از حوزه فردی، اجتماعی و تاریخی است . در حوزه فردی نقش سرمشقها اصلاح مناسبات اجتماعی و سیاسی است و در عرصه تاریخی تأثیر اسوه ها به تغییر و تحول در جهت گیریهای تاریخی ارتباط می یابد .

هم اکنون جا دارد به این سؤال پاسخ گفته شود که آیا حضرت زهرا (س) الگوی زنان است یا الگوی انسان؟ و آیا سیره ایشان قابلیت پیروی برای همه انسانها را دارد و یا مختص زنان می باشد؟ پرواضح است که حضرت زهرا (س) الگوی کاملی برای همه انسانهاست و همه بشریت می توانند با تاسی از سیره ایشان راه نجات و سعادت خود را طی نمایند. کرامت ها و فضیلت ها مختص مردان نیست. چنانچه زنان جوهری داشته باشند، مسیر تعالی و بالندگی معنوی برای آنان هموار است. اگر علی (ع) الگو و نمونه انسان کامل و ایده آل است در وجود مرد بودن، زهرای مرضیه نیز الگوی ایده آل انسان کامل است در مظهر زن بودن. قرآن وقتی می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب، 33/31) مقصود از «لکم» همه انسان هاست، نه فقط مردان. این مطلب در مورد حضرت زهرا (س) نیز صادق است. آنچه فاطمه (س) را اسوه و نمونه ساخته، کمال انسانی اوست و بدین خاطر متعلق به عالم انسانیت است. ارزش های انسانی اختصاص به زن یا مرد ندارد و به تبع آن اسوه های انسانی نیز همین گونه اند. فاطمه (س) چنان که اسوه زنان است اسوه مردان نیز هست. همانند پیامبران و امامان)

بین زن نمونه بودن و نمونه زن بودن تفاوت است؛ زن نمونه یعنی زنی که سیره و روش او را همگان قادرند در زندگی اتخاذ و اعمال نمایند و بر اساس سیره و سلوک او مسیر زندگی خویش را بیمایند و نمونه زن یعنی زنی که میان زنان نمونه و الگوست.

بالاترین ارزش زن از نظر حضرت زهرا علیها السلام

از منظر حضرت زهرا علیها السلام نزدیک ترین حالات زن به خداوند متعال هنگامی است که خود را از دید نامحرمان دور نماید و در منزل خود به خانه داری و تربیت فرزند و پذیرایی از همسر خود بپردازد. امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت فاطمه علیها السلام در این باره فرمود: «أَنَّ أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا، نزدیک ترین حالات یک زن به خداوند متعال زمانی است که در منزل می ماند [و به امور خانه داری و تربیت فرزند می پردازد]». [

آری، یک زن مسلمان هرگز فرمان خداوند متعال را در مورد حفظ عفت و عصمت خود فراموش نمی کند و در طول زندگی حجاب خود را همانند گوهری گرانبها پاسداری می کند. این سخن معروف حضرت زهرا علیها السلام که ضامن پایداری جوامع و مایه استحکام خانواده هاست، همواره باید در معرض دید بانوان مسلمان به ویژه دختران جوان باشد که فرمود: «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ؛ بهترین و نیکوترین عمل زنان آن است که [بدون ضرورت] مردان [نامحرم] را نبینند و مردان [نامحرم] نیز آنان را ننگرند».

خوشبختی و سعادت زن و جامعه بهترین و نیکوترین عمل زنان آن است که [بدون ضرورت] مردان [نامحرم] را نبینند و مردان [نامحرم] نیز آنان را ننگرند. در همین جمله نهفته است که تا می تواند از نامحرمان دوری کند و کمترین ارتباط را با آنان داشته باشد؛ اما متأسفانه در عصر ما شیاطین وسوسه گر و دشمنان اسلام تلاش می کنند به هر وسیله و عنوانی زنان مسلمان را از هویت خود جدا کنند و به مجامع عمومی و معرض دید نامحرمان بکشانند و به این وسیله آنان را از اهداف اصلی خلقتشان بازدارند.

فرانس فانون نویسنده فرانسوی می گوید: «نیروهای اشغالگر در کشور مسلمان الجزائر مأموریت داشتند تا هویت و اصالت فرهنگی ملت الجزائر را نابود سازند و در این راه حداکثر کوشش خود را بر تخریب مسئله حجاب و چادر زنان متمرکز کرده بودند؛ زیرا آن را نشانه مهم اصالت ملی زنان الجزائری تلقی می کردند. از دیدگاه استعمارگران هجوم به تار و پود جامعه اسلامی الجزائر ابتدا باید از تحت تأثیر قرار دادن زنان آغاز می شد. دستگاه استعماری فرانسه برای مبارزه با حجاب زنان و بیرون کشیدن آنان از کانون خانواده، مبالغ هنگفتی را اختصاص داده بود. آنها بر این باور بودند که حجاب زن سدّ محکم و دژ عظیمی در برابر نفوذ غریبه‌هاست. هر چادری که کنار گذاشته شود، افق جدید و گام بلندی در تسلط استعمارگران بر کشورهای اسلامی است. پس از دیدن هر زن مسلمانی که حجاب را کنار گذاشته است، امید تسلط آنان ده برابر می گردد. با هر چادری که رها می گردد، گویی جامعه اسلامی برای پذیرش و تسلیم در برابر استعمارگران آماده تر می شود».

حجاب حضرت فاطمه (س)

حضرت زهرا سلام الله علیها یک افتخار است برای همه عالم، نه فقط برای شیعه، نه فقط برای عالم اسلام، نه فقط برای ائمه طاهرین (ع)، بلکه آن حضرت برای پدر بزرگوارش نیز مایه سربلندی و افتخار به شمار می‌رود. پیامبر اکرم (ص) به این بانو خیلی افتخار می‌کردند و بارها می‌فرمودند که خودم و پدر و مادرم به فدای تو. افتخار پیغمبر اکرم (ص) خیلی معنا دارد؛ حضرت زهرا (س) از نظر حسب و نسب دارای درجات رفیعی بوده است. شما نمی‌توانید یک خانمی پیدا کنید که این قدر از نظر نسب، والا و نورانی باشد. ایشان پدری دارد مثل پیامبر اکرم که خاتم الانبیاء بود. پیغمبری که همه پیامبران به وجود او افتخار می‌کردند، وجود مبارکی که خود خداوند متعال به او افتخار می‌کند و نظیرش در عالم وجود نیامده و نخواهد آمد.

حضرت صدیقه طاهره مادری دارد مانند حضرت خدیجه که در مورد ایشان هم باید بگوییم یک افتخار برای همه انسانها و مخصوصاً برای تمامی خانمها می‌باشد. در باره حضرت خدیجه همین مقدار بس که پیغمبر اکرم می‌فرمودند: پیروزی اسلام، مرهون خدیجه است. همسر حضرت زهرا (س) نیز امیرالمومنین علی (ع) است که پیامبر گرامی (ص) فرمودند: زهرا جان اگر علی نبود، کفوی برای تو در عالم وجود یافت نمی‌شد. و اگر تو نبودی کفوی برای علی در عالم نبود. حضرت فاطمه زهرا از لحاظ فرزند نیز فرزندان نظیر امام حسن و امام حسین و حضرت زینب و ام کلثوم سلام الله علیهم را تحویل عالم بشریت داده‌اند. اسلام مرهون مجاهدتها و تلاشهای فرزندان گرامی حضرت زهراست. شهادت امام حسین (ع) اسلام را بیمه کرد و مجاهدت حضرت زینب(س)، شهادت آن حضرت را جهانگیر کرد. حضرت زینب با آن شهادت مثال زدنی در مقابل دشمن گفت: «ثکلتک امک یابن مرجانه ما رأیت الا جمیلاً». نظیر چنین فرزندان را در عالم کسی نداشته و نخواهد داشت. اما اولاد حضرت زهرا سلام الله علیها منحصر به این چهار بزرگوار نیست، بلکه دوازده امام از نسل حضرت زهرا به وجود آمدند که بارها پیغمبر اکرم به این موضوع افتخار می‌کردند. از همان وقتی که امام حسین طفلی کوچک بود، پیامبر اکرم او را در دامن می‌نشانند و می‌فرمودند: «یا حسین التاسع من ولدک هو القائم بالحق به یملاً الله الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» یعنی حسینم، نهم از فرزندان تو امام زمان است که به دستش پرچم اسلام روی کره زمین افراشته می‌شود. آنکه عدالت اجتماعی سرتاسری می‌آورد. آن که ظلم جهانی را ریشه کن می‌کند و بالاخره آن که اسلام را جهانی می‌کند و می‌گوید «ان فی ابنه رسول الله لی اسوه حسنه» یعنی سرمشق من در حکومت، زهرای مرضیه است. آن امامی که اسلام را جهانی می‌کند و می‌فرماید که «نحن حجج الله علی خلقه و فاطمه حجه علینا» یعنی ما دوازده امام حجت برای مردم هستیم و زهرا (س) حجت برای ما است. درک کردن معنای این گونه روایات سخت است، این گونه روایات حیران کننده است و انسان با غور در این مطالب پی به جهل خود می‌برد.

نکته مهم که تذکر آن در این مجال ضروری است اینکه، شناخت ما نسبت به نعمت بزرگی همچون وجود مبارک حضرت زهرای مرضیه چه مقدار است؟ و مهمتر اینکه تا چه اندازه آن حضرت را برای خود اسوه می‌دانیم و از او پیروی می‌کنیم؟ اگر ما در این باره کوتاهی کنیم و از حضرت زهرا (س) الگو نگیریم، بالاترین گناه را مرتکب شده‌ایم. زیرا کفران نعمت کرده‌ایم. قرآن کریم می‌فرماید: «لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید». اگر حضرت صدیقه طاهره سرمشق جامعه باشد، جامعه رو به تزیید و ترقی خواهد بود و اما اگر زهرا سرمشق زندگی مردم نشد، در دنیا و آخرت عذابی دردناک در انتظار آنان خواهد بود. در خصوص لزوم الگوگیری از سیره حضرت زهرا (س) به دو نکته اشاره می‌گردد که از مصادیق برجسته شیوه زندگانی حضرت زهراست که نسل کنونی باید اسوه خود قرار دهد.

حجاب از دیدگاه حضرت زهرا(س)

آن بانوی بسیار بزرگ جهان، با این که حریم عفاف و حجاب را به طور کامل رعایت می‌کرد، در عین حال، در بحرانی‌ترین حوادث سیاسی و اجتماعی، حضور و ظهور داشت .

روزی مرد نابینایی با کسب اجازه به محضر حضرت زهرا(س) آمد. حضرت از او فاصله گرفت و خود را پوشانید، پیامبر اکرم(ص) که در آن جا حضور داشت از حضرت زهرا(س) پرسید: «با این که این مرد نابیناست و تو را نمی‌بیند، چرا خود را پوشاندی؟» حضرت زهرا(س) در پاسخ فرمود: «اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم، وانگهی او بو را استشمام می‌کند». پیامبر(ص) (به نشانه تأیید شیوه و گفتار حضرت زهرا«س») فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ 4 گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی.»

امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: روزی همراه گروهی در محضر رسول خدا(ص) نشسته بودیم. آن حضرت به ما رو کرد و فرمود: «بهترین کار برای زنان چیست؟» هیچ کدام از حاضران نتوانستند جواب صحیح بدهند. هنگامی که متفرق شدند، من به خانه بازگشتم، و همین موضوع را از حضرت زهرا(س) پرسیدم، و ماجرای سؤال پیامبر(ص) و پاسخ صحیح ندادن اصحاب را برای حضرت زهرا(س) تعریف کردم، و گفتم هیچ یک از ما نتوانستیم پاسخ صحیح بدهیم. حضرت زهرا(س) فرمود: ولی من پاسخ به این سؤال را می‌دانم، و آن این است که: «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ؛ صلاح زنان در آن است که آنها مردان نامحرم را نبینند، و مردان نامحرم آنها را نبینند.»^{*} حجاب در اسلام به معنای پرده نشینی نیست، بلکه به معنای پوششی معقول برای جلوگیری از فساد، و حفظ کرامت زن است.

من به محضر رسول خدا(ص) بازگشتم و عرض کردم: «ای رسول خدا! از ما پرسیدی که چه کار برای زنان برتر است، پاسخ این است که برترین کار برای زنان این است که آنها مردان نامحرم را نبینند، و مردان نامحرم آنها را نبینند.» پیامبر(ص) فرمود: «چه کسی به تو چنین خبر داد، تو که این‌جا بودی و پاسخی نگفتی؟» علی(ع) عرض کرد: «فاطمه(س) چنین فرمود.»

پیامبر(ص) از این پاسخ خشنود شد، و سخن فاطمه(س) را پسندید و به نشانه تأیید او فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ 5 همانا فاطمه، پاره تن من است.»
نیز روایت شده: روزی جابر بن عبدالله انصاری همراه رسول خدا(ص) به سوی خانه فاطمه(س) رهسپار شدند. وقتی که به در خانه رسیدند، پیامبر(ص) اجازه ورود طلبید. فاطمه(س) اجازه داد، پیامبر(ص) فرمود: شخصی همراه من است، آیا اجازه هست با او وارد خانه شویم؟ فاطمه(س) عرض کرد: «ای رسول خدا «قِنَاع» (یعنی مقنعه و روسری) ندارم.» پیامبر(ص) فرمود: «يَا فَاطِمَةُ خُذِي فَضْلَ مَلْحَفَتِكَ فَقِنِي بِهِ رَأْسَكَ؛ ای فاطمه! زیادی لباس بلند روپوش خود را بگیر و سرت را با آن بپوشان.»

حضرت فاطمه(س) همین کار را کرد، آن‌گاه پیامبر(ص) و جابر، با کسب اجازه وارد خانه شدند. 6

تلاش‌های سیاسی و اجتماعی حضرت زهرا(س)

حضرت زهرا(س) در عین آن که حجاب کامل را رعایت می‌کرد، حجاب را پرده‌نشینی و انزوای زنان نمی‌دانست، بلکه شواهد بسیاری وجود دارد که آن حضرت حجاب را هرگز دست و پاگیر و مانع تلاش‌های اجتماعی و سیاسی نمی‌دانست. از این رو، در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی شرکت فعال داشت.

محدثین نقل می‌کنند: شخص پیامبر(ص) دست فاطمه(س) را گرفت، و به میان مردم آمد و خطاب به مردم فرمود: «هر کس که فاطمه(س) را شناخت که شناخت، و هر کس که او را شناخته بداند که فاطمه(س) دختر محمد(ص) است. او پاره تن من است. او قلب و جان من است. هر کس او را بیازارد مرا آزرد، و هر کس مرا بیازارد، قطعاً خدا را آزرده است» بنابراین، حجاب در سیره فاطمه(س) پرده نشینی نیست.

در مکه قبل از هجرت، مشرکان به تحریک ابوجهل به پیامبر(ص) آزار می‌رساندند، یکی از آنها به نام «ابن زبیری» شکمه گوسفندی را برداشت، و به طرف پیامبر(ص) انداخت، به طوری که سر و صورت آن حضرت را آلوده نمود، ابوطالب(ع) به دفاع از آن حضرت پرداخت،

* پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن و موی خود را بپوشاند، و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد، آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند، و فتوای فقهاء هم مؤید همین مطلب است. «در این هنگام حضرت زهرا(س) که در آن وقت خردسال بود با آب نزد پدر آمد، و سر و صورت آن حضرت را شست و شو داد.» 8

این ترتیب نتیجه می‌گیریم، حضرت زهرا(س) در عین آن که در همایش پرشکوه و پرچنگال شرکت نمود، همه نمادهای حریم حجاب و عفاف را رعایت نموده است.

بشارت های خدا به زنان عقیف

امام جعفر صادق(ع) : اگر زن عفت داشته باشد به دنیا می‌آرزد و گرنه به خاک هم نمی‌آرزد. پیامبر اکرم (ص) : ... زنی که برای حفظ غیرت ، استقامت ورزیده و برای خدا وظیفه خود را بخوبی انجام داد ، خدا پاداش شهید را به او خواهد داد.

پیامبر اکرم (ص) : پروردگارا زنانی که خود را خود را پوشیده نگه می‌دارند مشمول رحمت و غفران خود بگردان.

پیامبر اکرم (ص) : شرف مقنعه ای که زن بر سر دارد از دنیا و آنچه در آن است ارزندا تر می‌باشد.

نتیجه گیری

حجاب و عفاف حضرت زهرا به گونه‌ای است که ذکر شد، در حالی که در مقابل نامحرم کوبندگی و قاطعیت دارد، به مسلمانان می‌فهماند که اختلاط بین زن و مرد ممنوع است. تصور نکنید این بی‌حجابی و بی‌عفافی که فعلاً در جامعه رایج است، فقط برای ما باعث ناراحتی شده است، بلکه حضرت زهرا نیز از این موضوع بسیار ناراحت است. همه می‌دانیم که حضرت زهرا بهترین سرمشق است. سرمشق یعنی چه؟ یعنی جامعه باید وضعیت حجاب و عفاف حضرت زهرا را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و به همان صورت عمل نماید.

حضرت زهرا(س) در عین آن که حجاب کامل را رعایت می‌کرد، حجاب را پرده‌نشینی و انزوای زنان نمی‌دانست، بلکه شواهد بسیاری وجود دارد که آن حضرت حجاب را هرگز دست و پاگیر و مانع تلاش‌های اجتماعی و سیاسی نمی‌دانست. از این رو، در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی شرکت فعال داشت.

بنابراین «تعادل و تنظیم روابط»، پی آمدهایی چون حضور پرنشاط، سالم، شاداب و تأثیرگذار برای مردان و زنان در عرصه های مختلف خانواده و جامعه خواهد داشت و بن بست از فساد و تباهی در هیچ یک از میدانهای فعالیت ایجاد نخواهد کرد.

به هر حال آنچه که بر می آید این است که حجاب محدودیت ساز نیست بلکه ایجاد مصونیت می کند. البته باید ذکر کرد که حجاب فقط برای زنان نیست و برای مردان نیز ضروری به نظر می رسد. از بین رفتن حجاب در جوامع کنونی نماد رشد و پیشرفت نیست نماد عقب ماندگی و غربزدگی کشورهای اسلامی می باشد.

منابع:

(1 نور (24) آیه 30 و 32 و 33؛ احزاب(33) آیه 32، 33 و 59.

(2 مرتضی مطهری، مسأله حجاب، چاپ جدید، ص 79.

(3 همان، ص 83.

(4 علامه مجلسی، بحار، ج 43، ص 91.

(5 علامه علی بن عیسی (ارزبلی، کشف الغمّه، ج 2، ص 23 و 24.

(7 علامه علی بن عیسی (ارزبلی، کشف الغمّه، ج 2، ص 24.

(8 علامه سروی، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 60

مسأله حجاب در سیره حضرت زهرا، حجة الاسلام والمسلمین محمد محمدی اشتهاردی

حجاب حضرت زهرا ، آمنه مظاهری

نقش حجاب و عفاف در عظمت زن

حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هرگونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است؛ به تعبیری لطیف‌تر حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب.

حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می‌شوند و در نگاه اول به نظر می‌آید هر دو به یک معنا باشند اما با جستجو در متون دینی و فرهنگنامه‌ها به نکته قابل توجهی می‌رسیم و آن تفاوت این دو واژه است. در برخی کتب لغت حجاب را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «الحجاب، المنع من الوصول» حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن می‌شود. (1)

برخی گفته‌اند حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع از دخول است و به عنوان شاهد آیه شریفه «و من بیننا و بینک حجاب» (فصلت، آیه 5) را ذکر کرده‌اند. در دیگر کتاب‌های لغت حجاب را به معنای پرده آورده و نوشته‌اند: امراه محجوبه؛ زنی که پوشانیده است خود را به پوشاندنی. (2)

با توجه به معانی ذکر شده در می‌یابیم حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، اگرچه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است ولی ظهور در نشئه مادی و طبیعی دارد یعنی پوشش ظاهری افراد و بویژه زنان را حجاب می‌گویند که مانع از نگاه نامحرم به آنان می‌شود. عفاف نیز دارای معانی گوناگونی است که در مجموع تعریف کاملی را به ما خواهد داد. راغب اصفهانی در مفردات القرآن می‌نویسد: العفه حصول حاله للنفس تمتنع بها غلبه الشهوه؛ عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌شود. (3)

البته قابل ذکر است که در قرآن کریم از واژه عفت در دو معنا استفاده شده است، گاه به معنای خود نگهداری و پاکدامنی است و گاه «عفت» به معنای قناعت آمده و مسائل مالی مورد نظر است. (4) آنچه در این مقاله مورد نظر ماست مفهوم اولی است یعنی خود نگهداری از شهوت و مسائل جنسی؛ اگرچه می‌توان برای هر دو معنا واژه عفت را آورد و ضروری به مفهوم آن نمی‌خورد. از مجموع معانی ذکر شده برای حجاب و عفاف می‌توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه باز می‌دارد.

حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هرگونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است؛ به تعبیری لطیف‌تر حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این گروه از حجاب، تنها پوسته‌ای و ظاهری بی‌معنا دارند و از سوی دیگر کسانی هستند که ادعای عفاف کرده و با تعابیری همچون؛ من قلب پاک دارم، خدایا قلبها کار دارد، آدم باید چشمش پاک باشد و... خود را سرگرم کرده و مصداق «لیفجر امامه» (بلکه انسان می‌خواهد آزاد باشد و گناه کند - قیامت آیه 5) می‌شوند.

انسان‌هایی چنین باید در قاموس اندیشه خود نکته‌ای اساسی را بنگارند و آن این است که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک موجب بارور شدن میوه ناپاکی به نام بی‌حجابی و بدحجابی نخواهد شد. امام خمینی (ره) پیام‌آور ارزشهای الهی درباره حجاب و عفاف می‌فرماید: «توجه داشته باشید حجابی که اسلام قرار داده است برای حفظ ارزش‌های شماست. هرچه را که خدا دستور فرموده است - چه برای مرد و چه برای زن - برای این است که آن ارزش‌های واقعی که

اینها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطانی یا دست‌های فاسد استعمار پایمال شوند این ارزشها زنده بشوند.»(5)

فلسفه حجاب

یکی از نکات اساسی که زمینه‌ای برای عمل به احکام است شناخت جایگاه هرچیز در نظام هستی است. البته در نظامی که خداوند متعال در جای جای آن دیده می‌شود و ارتباط اشیا و اعمال با خداوند بسیار مشهود است و با درک این ارتباط و حضور، بسیاری از مشکلات زندگی بشر حل می‌شود. «حق» به عنوان زیباترین و پسندیده‌ترین واژه آفرینش در تمامی ادیان و جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است و حقوق و ادای آنها فراتر از زمانها و مکانها و اشخاص و ادیان است. در واقع هر فردی از هر طبقه اجتماعی و از هر دین و ملیت، نسبت به ادای حقوق دیگران حساسیت نشان می‌دهد و این مطلب، حق و حقوق را فرازمانی و فرامکانی می‌کند. برخی از اندیشه‌گران و حکیمان بر این باورند که حجاب، حق‌الله است و در این باره می‌گویند: «حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد و نه مال شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان می‌باشد. همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد شد، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق‌الله مطرح است. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم. از اینکه قرآن می‌گوید: هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می‌شود عصمت زن حق‌الله است.»(6) پر واضح است که آدمی نمی‌تواند حقوق الهی را کاملاً ادا کند ولی با انجام برخی کارها می‌تواند رضایت الهی را به دست آورد. حضرت رسول(ص) می‌فرمایند: «حقوق خداوند متعال بزرگتر از آن است که توسط بندگان ادا شود و نعمت‌های خداوند بیشتر از آن است که به شمارش آید»(7) و حضرت علی(ع) می‌فرماید: «خداوند بر بندگان حقی قرار داده و آن این است که او را اطاعت کنند.»(8) اگرچه حق خدا بزرگ است و قابل ادا نیست ولی ادای وظایف و اطاعت از خداوند متعال به نوعی ادای حق محسوب می‌شود. حجاب که امر خداست و شارع مقدس به عنوان یکی از احکام ضروری دین آن را واجب کرده است باید حفظ شود. حفظ این واجب الهی اطاعت از اوست و اطاعت از او حقی است که بر بندگان نهاده است و هر انسان باورمندی باید تعبد و نه فقط به خاطر مصالح عمومی و... این حق و حد الهی را ادا کند. پس حکمت حجاب، سنجش میزان عبودیت و اطاعت بندگان است. بانوان با حفظ حجاب می‌توانند اطاعت را که روح و پیام اصلی عبادات بشر است اثبات کنند و در زمره اطاعت‌کنندگان الهی قرار گیرند. بانوان به عنوان نیمی از جامعه اسلامی که در دامان خود انسان‌های پاک و برجسته می‌پروراند، دارای حرمت و احترام ویژه‌ای می‌باشند. آنان معلمان عاطفه هستند و پیکره اجتماع، با محبت و تربیت آنها استوار خواهد ماند.

مفسران و اندیشه‌گران بر این باور هستند که «قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید، می‌فرماید: حجاب عبارت است از یک نحوه احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند. در قرآن علت و فلسفه حجاب را چنین ذکر می‌کند که: ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین، یعنی برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند، چرا که آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند.»(9) با اندکی تدبر در آیات قرآن فلسفه حجاب را به گونه‌ای صریح می‌بینیم و می‌یابیم که احترام و حرمت زن، فلسفه حقیقی و یا یکی از فلسفه‌های حجاب است برآستی اگر معرفت انسان به شریعت و تعالیم دینی بالا رفته و قرآن را که آئین‌نامه

سعادت و کمال بشر است درک کند، به عظمت حجاب پی برده و می‌فهمد بدحجابی و بی‌حجابی ثمره عدم معرفت و شناخت حقیقی جایگاه زن در هستی است . خداوند در آیه 31 سوره نور حکم حجاب را به گونه‌ای صریح و آشکارا مطرح نموده و علاوه بر ظرافت‌های خاصی که در نوع پوشش زنان وجود دارد، اشخاص محرم را نیز ذکر می‌کند تا نامحرم‌ها بازشناسانده شوند و در پایان فلسفه پوشش بیان شده است که زینتها و زیبایی‌های زنان در مقابل نامحرم آشکار نشود، تا آنها مورد توجه نگاه‌های ناپاک قرار نگیرند و احترام آنان حفظ گردد. در آیه دیگر حرمت و شخصیت زن به عنوان فلسفه حجاب مطرح می‌شود: «ای پیامبر به زنان و دخترانت و زنان مومن بگو، پوشش خود را بر خود فرو پوشند . این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.» (احزاب، آیه 59) در این آیه زنان و دختران پیامبر و زنانی که همسر مردان مومن هستند از دیگر زنان جامعه آن روز جدا می‌شوند و حکم حجاب برای این زنان محترم آورده می‌شود. از ظاهر آیه می‌توان دریافت که حجاب به خاطر احترام و حرمت زنان بوده و مقام آنان به قدری والاست که باید از طریق حجاب شناخته شوند؛ مبادا مانند زنان کفار مورد اذیت و آزار قرار گیرند. این دسته از زنان به خاطر اعتقادات و باورهای دینی، دارای ارزش و مقامی افزون از دیگران هستند و حرمت آنها باید مورد شناسایی قرار گیرد.

● آثار اجتماعی حجاب هر عملی که افراد جامعه انجام می‌دهند، در نگاه کلان اثر مستقیم در اجتماع دارد زیرا از خانواده که واحد کوچک اجتماعی است جامعه تشکیل می‌شود و همان‌گونه که رفتار فرد در جامعه موثر است، اشخاص نیز از اجتماع و قوانین آن تاثیر می‌پذیرند. حجاب علاوه بر آثار شخصی و شخصیتی، دارای آثار اجتماعی است. جامعه‌ای که در آن بانوان با حفظ حدود و حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و موجب تخریب روح و جسم هموعان خود شده و محیط آرام و امنی را برای جوانان فراهم سازند، به سوی سعاد و سلامت روانی پیش خواهد رفت. اگر زنان جامعه باحجاب باشند، هم مردان از نظر طهارت روح و جسم سالم می‌مانند و هم در جامعه، سلامت خانوادگی حفظ خواهد شد و محیط خانواده تحت تاثیر خودنمایی‌های عده‌ای از زنان بدحجاب و بی‌حجاب قرار نمی‌گیرد و هم مراکز اجتماعی مثل اداره‌ها و بیمارستان‌ها و... در کمال سلامت رفتاری خواهند بود و بزهکاری‌های اجتماعی به حداقل خواهد رسید.

حضرت امام خمینی (ره) در مورد فعالیت اجتماعی واشتغال زنان همیشه این نکته را بیان می‌کردند که: «فعالیت اجتماعی، سیاسی کنید ولی حدود شرعی از جمله رضایت همسر را رعایت کنید.» (10) بسیاری از پرونده‌های ضداخلاقی از عدم رعایت حدود شرعی نشأت گرفته است و آمار جنایی ذکر شده همواره زنگ خطری بوده که اندیشه گران تربیتی را نگران می‌ساخته است. یکی از آثار اجتماعی حجاب، حفظ اجتماع و سلامت اجتماعی خانواده‌است، بالا رفتن درصد طلاق در کشور ما زنده‌ترین شاهد این مطلب است. از روزی که حجاب دچار تغییر و تحول شد و آزادی‌های تعریف نشده در جامعه ما پا گرفت، سطح طلاق به مقدار نگران‌کننده‌ای بالا رفته و میزان ازدواج رو به کاهش نهاده است و این جزء آثار اجتماعی بی‌حجابی است که جامعه را در درازمدت به ورطه هلاکت می‌رساند. البته آثار مثبت حجاب و پیامدهای منفی بی‌حجابی به اینجا ختم نمی‌شود. وقتی که به صحنه تفکرات عالم نگاه می‌کنیم و بینش اسلام را مشاهده می‌نماییم، به روشنی در می‌یابیم که جامعه بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسئله زن و رابطه زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا کند که دیدگاه‌های اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آن را ارائه کند. اسلام می‌خواهد که رشد فکری، اجتماعی، سیاسی، علمی و بالاتر از همه فضیلتی و معنوی زنان به حد اعلای برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری حداعلای فایده و ثمره را داشته باشد. همه تعالیم اسلام از جمله مسئله حجاب، بر این اساس است. مسئله حجاب به معنی منزوی کردن زن نیست. مسئله حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد و بخصوص به ضرر زن است. حجاب به هیچ‌وجه مزاحم و مانع فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و علمی نیست.

علت نامگذاری 21 تیر ماه به عنوان روز حجاب و عفاف

زیرپا نهادن رسوم مذهبی

وقتی رضاخان به قدرت رسید، درصدد فریب مردم برآمد. او با پای پیاده همراه دسته جات عزاداری حرکت می کرد و در مجالس عزاداری و تکیه ها حاضر می شد و خود را مقید به اصول مذهب نشان می داد. اما بعد از پا گرفتن قدرتش، همه تلاش خود را در راه زیر پا نهادن رسوم مذهبی به کار بست. او در راه رسیدن به اهداف شوم و پلید خود، حتی حرم مطهر امام رضا علیه السلام را به خاک و خون کشید و واقعه مسجد گوهرشاد، نمونه بارز و علنی دشمنی او با اسلام بود.

تغییر لباس دستور استعمارگران

رضاخان به دستور استعمارگران غربی و به کمک جریان وابسته روشن فکر، تمام توان خود را در تغییر لباس ملی به کار گرفت و به عنوان لباس متحدالشکل، مردم را مجبور به تغییر لباس و کلاه نمود و از تمامی قدرت و ابزاری که در دست داشت، برای این مقصد استفاده کرد. او لباس روحانیت را ممنوع و منوط به اخذ اجازه نمود. سفر رضاخان به ترکیه، یکی از توطئه های روشن فکران وابسته بود تا رضاخان تحت تأثیر قرار گیرد و در تغییر ماهیت ملی و اسلامی ایران تلاش نماید.

پیش بینی مخالفت روحانیون

در زمان رضاخان، پیش از آن که طرح تغییر لباس و بر سر گذاشتن کلاه شاپو به مرحله اجرا درآید، برای جلوگیری از مخالفت روحانیان، نخست دولت اعلام کرد به این دلیل که اشخاص غیر روحانی یا روحانی نمایان، نتوانند از پوشیدن لباس و عمامه سوء استفاده کنند، باید اشخاصی که به این لباس ملبّس هستند، از دو نفر از مراجع گواهی بگیرند که آیا برای پوشیدن لباس روحانیت صلاحیت دارند، یا خیر و مجتهدان نیز شهادت نامه بدهند. سپس روحانیان گواهی را به وزارت معارف ببرند و اجازه پوشیدن لباس دریافت کنند. دولت بدین ترتیب، در مورد کسانی که معمم بودند، سخت گیری هایی نمود. پس از آن، افراد معمم، یا در معابر رفت و آمد نمی کردند و در خانه می ماندند، و یا اگر در معابر رفت و آمد می کردند، گرفتار پلیس می شدند.

تأثیر اقتصادی تغییر لباس

تأثیر اقتصادی تغییر لباس و کشف حجاب، این بود که زمینه استفاده از لباس ها، لوازم آرایش و سایر فرآورده های ظاهر فریب سرمایه داری فراهم گردید؛ زیرا تا وقتی که مرد و زن ایرانی لباس سنتی خود را می پوشیدند، طبعاً مناسب با آن زیور آلات مصرف می کردند و بیش تر لباس ها و زیور آلات نیز در داخل کشور تولید می شد و محتاج محصولات غربی نبودند. این موضوع، برای سرمایه داری غرب غیرقابل تحمل بود. از این رو، با تغییر لباس مردان و زنان به سبک اروپایی، ایرانیان مجبور شدند تولیدات آن ها را وارد کشور کرده، سپس تهیه و مصرف کنند. بدین ترتیب، کم کم صنایع داخلی از قبیل کارگاه های نساجی پارچه و شال و نمدمالی و عبابافی و...، چون نمی توانستند با مدهای رنگارنگ پاریس و لندن و نیویورک

مقابله و رقابت کنند، از بین رفتند و سرمایه های داخلی، به جای تولید، مجبور به واردات شده و سرمایه داران استعماری هم درآمدهای سرشاری را به جیب زدند.

باید صورتا و سنتا غربی شویم

رضا شاه بعد از مسافرت ترکیه، در اغلب اوقات، ضمن صحبت از پیشرفت سریع کشور ترکیه، از تغییر لباس مردان و رفع حجاب خانم ها سخن می گفت و این مسأله را تشویق می کرد. او یک روز اوایل خرداد 1314، هیأت دولت را احضار کرد و گفت: «ما باید صورتا و سنتا غربی شویم و باید در قدم اول، کلاه ها تبدیل به شاپو شود. پس فردا که افتتاح مجلس دوره دوازدهم است، همه باید با شاپو حاضر شوند و در مجالس باید کلاه را به عادت غربی ها از سر بردارند و نیز باید شروع به رفع حجاب زن ها نمود. شما وزرا و معاونان باید پیشقدم شوید».

جنبش شیراز، مقدمه قیام مشهد

چند ماه قبل از قیام مردم مشهد، یعنی در یکی از شب های جمعه ماه ذی الحجه سال 1353ق، وزیر معارف مسافرتی به شیراز می کند و به مناسبتی، مجلس جشنی با حضور قشرهای مختلف مردم برپا می شود. پس از ایراد سخنرانی ها و نمایش، در خاتمه، عده ای از دوشیزگان بر روی صحنه نمایان می شوند و ناگهان نقاب از چهره برمی گیرند و ارکستر آهنگ رقص می نوازند و دختران به پای کوبی می پردازند. در این هنگام، عده ای به عنوان اعتراض از آن جا خارج می شوند. روز بعد، این خبر مانند بمبی صدا می کند و عده ای از مردم در مسجد وکیل اجتماع می نمایند. سید حسام الدین فالی که از عالمان و روحانیان با نفوذ شیراز بود، به منبر می رود و این گونه اعمال را تقبیح و محکوم می کند. خبر جنبش شیراز و تعطیل بازار به تهران می رسد، به ناچار دستور گرفتاری سید حسام الدین صادر می شود و او را زندانی می کنند.

تغییر لباس، مقدمه کشف حجاب

خبر گرفتاری حسام الدین فالی از روحانیان شیراز به حوزه علمیه قم، مشهد و تبریز می رسد. در تبریز دو مرجع بزرگوار، یکی آیت الله سید ابوالحسن انگجی و دیگری آیت الله آقا میرزا صادق، درباره تغییر لباس و کلاه شاپو اعتراض می کنند. از تهران دستور تعقیب داده می شود که آن دو نفر توقیف و به سمنان تبعید می گردند. در مشهد هم که دستور تغییر لباس، به همراه خبر جشن شیراز و گرفتاری فالی و تبعید دو نفر از عالمان تبریز، غوغایی برپا می کند و مراجع روحانی را سخت ناراحت نموده، جلساتی برای بحث و گفت و گو درباره این مسایل تشکیل می گردد. در این جلسات، مسأله تغییر لباس مطرح می شود و علما اظهار عقیده می کنند که دنباله تغییر لباس، به برداشتن حجاب منتهی خواهد شد و باید با شدت از آن جلوگیری نمود.

تغییر لباس پیامد تغییر فرهنگ

تغییر لباس، همواره پیامد تغییر یک فرهنگ است و انسان تا با فرهنگ خود وداع نکند، نمی تواند با لباس خود وداع کند و تا فرهنگ یک قوم را نپذیرد لباس آنان را به تن نمی کند.

درست به همین دلیل است که در احادیث ما آمده است که هر که خود را به گروهی شبیه سازد، هم از آن گروه به شمار می آید». لباس هر انسان، پرچم کشور وجود اوست؛ پرچمی است که او بر سر در خانه وجود خود نصب کرده و با آن اعلام می کند که از کدام فرهنگ پیروی می کند. هم چنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می کند، هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها معتقد و دل بسته باشد، لباس متناسب با آن ارزش ها و بینش ها را از تن به در نخواهد کرد.

گرد همایی مردم در مسجد گوهرشاد

مسجد گوهرشاد، محل اجتماع و سخنرانی بر ضد لباس بیگانه و اسلام زدایی شده بود. با بازداشت برخی از عالمان مبارز، اجتماعات وسیع تر گردیده و لحن سخنرانان آتشین تر و شعار مردم تندتر شده بود. از مرکز به شهربانی مشهد دستور داده شد که واعظان معروف شهر را دستگیر کنند. اما گردهمایی فزاینده مردم در مسجد گوهرشاد برای شنیدن سخنان واعظان و روحانیان، بیش تر شد. علما و مجتهدان در منزل یکی از مراجع اجتماع کرده و تصمیم گرفتند که تلگرافی به شاه مخابره و او را از اقدامات ضد دینی اش منصرف سازند. این تلگراف به امضای هشت تن از علمای متعهد ارسال گردید. سپس خطبای معروف و مشهور چون شیخ مهدی واعظ خراسانی، شیخ عباس علی محقق و شیخ بهلول در مسجد گوهرشاد به منبر رفتند و مردم را بیش از پیش آگاه ساختند.

حمله به مسجد گوهرشاد

صبح جمعه 20 تیر سال 1314، قزاقان رضاخان برای متفرق ساختن مردم وارد عمل شدند و بی محابا به روی مردم تیراندازی کردند و در این ماجرا، حدود یک صد نفر کشته و زخمی شدند. اما مردم متفرق نگشتند و مقاومت کردند. پس از این هجوم، مردم از اطراف با ابزاری از قبیل داس، بیل و چوب و... به طرف مسجد سرازیر شدند. مسجد گوهرشاد لبریز از جمعیت گردید. روحانیان به ترتیب بر بالای منبر حضرت صاحب الزمان (عج) قرار گرفتند و به سخنرانی پرداختند. روز شنبه 21 تیرماه در مسجد؛ شعارهای ضد سلطنت و ضد حجاب زدایی داده می شد و مسجد یک پارچه سرود مقاومت سر داده بود. وحشت مقامات دولتی را فرا گرفت. سرانجام رضاشاه دستور داد که همه را دستگیر و مجازات نمایند. سران شهربانی و آگاهی، نیروهای خویش را هماهنگ کرده، قرار گذاشتند پس از نیمه شب، تهاجم خود را آغاز نمایند. قزاقان نیز از قبل در نقاط حساس شهر و اطراف مسجد گوهرشاد مستقر شدند و مسلسل های سنگین را بر بام های مشرف به مسجد کار گذاشتند.

حیله اسدی، نائب التولیه آستان قدس رضوی

قزاقان و نیروهای شهربانی و آگاهی که در اطراف مسجد و نقاط حساس شهر مشهد مستقر شده بودند، شایع کردند که برای حفاظت از بانک ها آمده اند. اسدی، نایب التولیه رضاشاه، از نقشه کشتار مطلع شد و چون می دانست که مجتهدان هم در مسجد هستند، درصدد برآمد که آن ها را از آن جا خارج کند. از این رو، به دروغ پیغام فرستاد که تلگراف شما را اعلی حضرت همایونی پاسخ گفته، تشریف بیاورید برای مذاکره و با این حیله مجتهدان را از کشیک خانه به مسجد دارالتولیه کشاند. او می دانست اگر مجتهدان و عالمان طراز اول در این حمله و یورش کشته شوند، خراسان یک پارچه آتش خواهد شد و این آتش، گسترش خواهد یافت و دیگر به هیچ روی نمی توان از آن جلوگیری کرد. پس با این حیله علما را از مسجد خارج ساخت.

فتح مسجد گوهرشاد

پاسی از نیمه های شب دوازدهم ربیع الثانی گذشته بود که صدای غرش مسلسل های قزاقان، حرم مطهر امام رضا علیه السلام را به لرزه انداخت و سربازان شاه، به فرماندهی سرلشکر ایرج مطبوعی، برای فتح مسجد گوهرشاد به حرکت درآمد. عده ای از مأموران مخفی رژیم، پیش تر وارد مسجد شده بودند و قرار بود آن ها از داخل وارد عمل شده و راه را برای ورود نیروهای رضاخان به داخل مسجد هموار کنند و چنین شد. دژخیمان اسلحه به دست، پا به درون خانه خدا گذاشتند و همه مسجدیان را از دم تیغ گذراندند.

توقیف علما و روحانیان

از روز یکشنبه 22 تیر، دولت به توقیف و بازداشت علما و روحانیان مشهد اقدام نمود وعده ای از علما را توقیف کرد و عده ای از آن ها هم مخفی شدند. از جمله توقیف شدگان، آیت الله سید یونس اردبیلی و آقازاده، فرزند آخوند ملامحمد کاظم بودند. بیش از سی نفر از عالمان و واعظان را دستگیر کردند و شهر تقریباً حالت حکومت نظامی به خود گرفته و ورود و خروج اشخاص به شهر، مستلزم داشتن جواز بود. مأموران برای دستگیری شیخ بهلول جایزه تعیین کرده بودند. پس از رفع غائله، اداره شهربانی برای پیدا کردن عاملان واقعه دست به کار شد و عده ای تحت بازجویی قرار گرفتند و در نتیجه، اسدی، نائب التولیه آستان قدس هم که یکی از محرکان معرفی شد، بلافاصله دستگیر شد و تحت محاکمه قرار گرفت و در دادگاه نظامی به اعدام محکوم گردید.

اهانت به آستان قدس رضوی

کشتار دسته جمعی مردم مشهد و دستگیری و محاکمه عده ای از علما و محکوم کردن جمعی در دادگاه های نظامی و صدور مجازات های سنگین و حکم اعدام برای عده ای، رفته رفته در کشور موجب گفت و گوها و ابراز ناراضی هایی گردید و مردم در مورد دیانت رضاخان دچار تردید شدند؛ زیرا مردم آن چه در صحن حضرت رضا دیده بودند، برای یکدیگر

بازگو کرده و این همه قساوت و خون ریزی را تقبیح می کردند؛ چرا که نظامیان، حرمت آستان قدس رضوی را رعایت نکرده و در این مکان مقدس، خون هزاران بی گناه را بر زمین ریخته بودند.

سخن رهبر کبیر انقلاب

رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی رحمه الله در خصوص تغییر لباس و کلاه چنین بیان داشتند: «... آن هایی که این قدر قوه تمیز ندارند که کلاه لگنی را که پس مانده درندگان اروپاست، ترقی کشور می دانند، با آن ها حرفی نداریم که آن ها از ما سخن خردمندانه را بپذیرند و عقل و هوش و حس آن ها را اجانب دزدیده اند... . آن روز که کلاه پهلوی سر آن ها گذاشتند، همه می گفتند: مملکت باید شعار ملی داشته باشد، استقلال در پوشش دلیل استقلال مملکت و حافظ آن است. چند روز بعد، کلاه لگنی [شاپو] گذاشتند سر آن ها، یک دفعه حرف ها عوض شد. گفتند: ما با اجانب مراوده داریم. باید همه هم شکل باشیم تا در جهان با عظمت باشیم. مملکتی که با کلاه عظمت برای خود درست می کند یا برایش درست می کنند، هر روزی کلاهش را ربودند، عظمتش را هم می برند».

قیام مسجد گوهرشاد، نقطه اوج مبارزات

قیام مسجد گوهرشاد و کشته شدن هزاران نفر از مردم و روحانیت و تبعید و زندانی شدن جمع بسیاری از آن ها، نقطه اوج مبارزه های بر ضد رضاخان بود و از آن واقعه جان گداز تا سقوط پهلوی اول و دوم، این مبارزه هم چنان ادامه داشت تا این که خداوند متعال، پاداش این مبارزات و از جان گذشتگی ها را، پیروزی انقلاب اسلامی، که از بزرگ ترین انقلاب های تاریخ است، قرارداد و این ملت را به نعمت استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی آراسته و مفتخر ساخت و عظمت اسلام را زنده نمود و آن را مقدمه ای برای ظهور و قیام شمشیر انتقام گیری و عدالت فراگیر و نابودی بت های گسترده عالم گیر، حضرت مهدی موعود(عج) قرار داد.